

آموزش ساختارگرایانه : رویکردی نوین در آموزش و پرورش

مسعود کیانی

(دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران)

چکیده

رویکرد ساختارگرایی در برابر دیدگاه عینیت گرایی پا به عرصه وجود گذاشت. ساختارگرایی به منزله یک نظریه یادگیری، به فرایندهای فعالی که یادگیرنده براساس دانش فعلی و قبلی خود ایده ها و یا مفاهیم جدید را می سازد گفته می شود. این تعریف جدید از یادگیری و نحوه ایجاد و توسعه آن، سبب بروز تغییراتی بنیادین در فرایند یاددهی و یادگیری شد. با توجه به اهمیت رویکرد ساختارگرایی و تأثیر آن بر آموزش، در پژوهش حاضر سعی بر آن است که دیدگاهی جامع در رابطه با آموزش ساختارگرایانه ارائه گردد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای انجام شده است و در پی معرفی رویکرد ساختارگرایی و تأثیر آن بر آموزش و پرورش می باشد.

واژگان کلیدی: ساختارگرایی، اصول ساختار گرایی، طراحی آموزشی، یادگیری ساختارگرا.

Keywords: Constructivism, Principles of Constructivism, Instructional Design, Constructivist Learning.

مقدمه

ساختارگرایی به عنوان یک رویکرد جدید در فلسفه تربیتی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر مبنای نظریات روانشناسی پیازه^۱ و برونر^۲ و دیدگاه فلسفی دیویی^۳، کانت^۴ و کوهن^۵ شکل گرفت. ساختارگرایی یک روش فکری درباره چگونه دانستن است و یک مبناء برای ساخت مدل‌های تدریس، یادگیری و برنامه درسی محسوب می شود [۱]. ساختارگرایی در آموزش به آن دیدگاهی گفته می شود که بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تأکید می کند و اعتقاد دارد یادگیری معنی دار زمانی رخ می دهد که یادگیرندگان از اندیشه ها و تجارب خود تفسیرهایی شخصی به عمل آورند [۲]. گروه تحقیق آموزش فیزیک در دانشگاه ماساچوست^۶ (۲۰۰۵) بنیاد های معرفت شناختی ساختارگرایی را عبارت از : (۱) دانش ساخته می شود آموخته نمی شود؛ (۲) دانش قبلی بر فرایند یادگیری بشدت تأثیرگذار است؛ (۳) ادراک اولیه محلی است و جهانی نمی باشد؛ (۴) ایجاد ساخت دانشی مفید مستلزم تلاش فراگیر و فعالیت هدفمند است.

بیان مسأله

ترهارت^۷ (۲۰۰۳) ابراز می کند که مفهوم ساختارگرایی تاکنون به اشکال بسیار ناهمگون و متناقضی ارائه شده است که این امر باعث پریسانی در کاربرد فن آموزشی ساختارگرا شده است [۴]. کاینگهام و دوفی^۸ دو شباهت مهم را که مبنای همه نظریه های ساختارگرایی است تشخیص داده اند، اولاً، یادگیری فرایند فعال ساختن است نه کسب دانش و ثانیاً، آموزش حمایت کننده ی این فرایند است نه انتقال دهنده ی دانش [۵].

برای انجام ارائه یک آموزش مؤثر در محیط های آموزشی ساختارگرا لازم است ابتدا، اصول اساسی رویکرد ساختارگرایی در آموزش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در آموزش ساختارگرا یادگیرنده فعال می باشد، ارزشیابی در فرایند آموزش صورت می گیرد و بر ایجاد توان تفکر انتقادی، استدلال در فراگیران تأکید می شود. در این نوع از آموزش معلمان براساس یک برنامه از پیش تعیین شده و ساختاریافته اقدام به ارائه آموزش نمی کنند، بلکه تنها، برنامه از پیش تعیین شده را به عنوان یک راهنمای عمل بکار می گیرند و با استفاده از ابتکار و خلاقیت خود در جریان آموزش به طراحی برنامه درسی کلاس می پردازند [۶].

جدول ۱- مقایسه رویکرد سنتی (عینیت گرایی) با رویکرد جدید (ساختارگرایی)

رویکرد سنتی	رویکرد جدید
یادگیرنده منفعل	یادگیرنده فعال
ارزشیابی پایانی	ارزشیابی در فرایند
یادگیری طوطی وار	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر مستور آموختن و حفظ کردن	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول
تأکید بر حفظ کردن و یادگیری از طریق حفظ	تفکر انتقادی، استدلال، بازتاب و حصول

اقتباس شده از: (گرانج^۹، ۲۰۰۶)

یافته ها

۱. ساختار گرایی از جمله رویکرد های نوین در فلسفه تربیتی است که از عمر آن بیشتر از یک قرن نمی گذرد، از اصول ساختارگرایی می توان به این موارد اشاره نمود: الف- معرفت به صورت انفعالی انباشته نمی شود بلکه نتیجه ادراک فعال است. ب- ادراک فرایندی انطباقی است که کارکرد آن پایدار ساختن رفتار افراد در یک محیط زندگی خاص است. ج- ادراک، تجربیات فرد را سازماندهی می کند و به آن ها معنا می بخشد.

¹- Piaget

²- Brunner

³- Dewey

⁴- Kant

⁵- Kuhnt

⁶- Physics Education Research Group at University of Massachusetts

⁷- Terhart

⁸- Cuningham & Duffy

⁹- Cronjé

ادراک فرایندی نیست که حاصل آن بازنمایی دقیق «واقعیت بیرونی» باشد. د- معرفت هم در ساخت های بیولوژیکی- نورولوژیکی و هم در تعاملات اجتماعی فرهنگی و زبان محور ریشه دارد.

۲. در آموزش بر مبنای ساختارگرایی بر یادگیری موقعیتی، فعال بودن شاگردان در فرایند آموزش، شاگرد محوری، یادگیری اکتشافی، تکالیف واقعی و اصیل مرتبط با موقعیت های واقعی زندگی، یادگیری مشارکتی، استفاده از سطوح بالای فعالیت های شناختی نظیر حل مسأله، استدلال و تفکر انتقادی، انگیزش با منبع درونی و ایجاد ارتباط بین دانش قبلی و جدید یادگیرندگان تأکید می شود.

نتیجه گیری

رویکرد ساختارگرایی به عنوان رویکردی نوین در آموزش و پرورش می تواند کلید حل بسیاری از مشکلات موجود در نظام تعلیم و تربیت کشور باشد. در گذشته آموزش بر مبنای رویکرد های رفتارگرایی و شناخت گرایی طراحی و ارائه می شد، در این نوع از نگرش دانش آموزان بعنوان گیرنده های منفعل دانش شناخته می شدند، نظام آموزشی عموماً معلم محور بود و معلم در نقش یاددهنده در کلاس حاضر می شد. اما با ظهور رویکرد ساختارگرایی منبع واقعیت از محیط خارجی به درون یادگیرندگان انتقال یافت و دانش آموزان بعنوان سازندگان فعال دانش شناخته شدند. با چنین دیدگاهی ارزش کسب تجربه و کنترل فرایند یادگیری توسط خود فراگیر که در گذشته بی مسمی بنظر می رسید بطور چشمگیری افزایش یافت و یادگیرندگان با بدست گرفتن سکان کشتی یادگیری خویش گام در جهت توسعه دانش خود و ساخت آن در بستر جامعه با توجه به الگوهای فرهنگی موجود برداشتند.

در آخر این نکته حائز اهمیت است که همانطور که ترهارت (۲۰۰۳) می گوید، ما هنوز به معلم گرایی سنتی چسبیده ایم که با لغات و اصطلاحات ساختارگرایی پوشش داده شده است. پس در حقیقت این تئوری ما، یک پارادایم جدید نمی باشد.

مراجع:

- [1] Tobin, K. & Tippins, D (1993) *Constructivism as a referent for teaching and learning*. In: K.Tobin(Ed) *The Practice of Constructivism in Science Education*, pp 3-21, Lawrence- Erlbaum, Hillsdale, NJ.
- [۲] گودزی، خسرو (۱۳۸۵). *نظریه سازندگی یادگیری*، قابل دسترسی در www.tehranedu1.ir
- [3] Physics Education Research Group at University of Massachusetts (2005). *Guiding principles of constructivism*. Available to <http://umperg.physics.umass.edu/topics/constructivism>.
- [4] Terhart, E. (2003). Constructivism and teaching: a new paradigm in general didactics. *Journal of Curriculum Studies* 35(1), 25-44.
- [5] Cunningham, D. J. & Duffy .T.M.(1996). *Constructivism implications for design and delivery of instruction*. In D. H .Jonassen (Eds.). *Educational communications and technology* (pp.170-198). New York: Macmillan Library Reference USA.
- [6] Cronjé, J.(2006). *Paradigms Regained: Toward Integrating Objectivism and Constructivism in Instructional Design and the Learning*